الرابطة الثقافية الإسلامية العالمية
International Islamic Cultural Association
انجمن فرهنگی جهانی اسلامی

باسمه تعالی

استفسار

3

نشریة اسلامی

پاسخگوی پرسش های دانشجویان مسلمان

تاریخ: 2013/2/14   شماره : 3

www.khetabat.com

(س) 1- لطفاً در مورد اهمیت امانت مختصراً روشنی بیندازید زیرا اطرافیانم در فساد اداری و (corruption) مبتلاء شده اند، و به امانت در وظیفه هیچ گونه توجهی ندارند؟

(ج)-1 امانت در اسلام دارای اهمیت و عظمت بسزایی می باشد، و هیچ مصلحتی جهت ضیاع امانت، مصلحت نیست. لذا در قرآن عظیم الشان امر به رعایت آن صورت گرفته است، [إِنَّ اللّهَ يَأْمُرُكُمْ أَن تُؤدُّواْ الأَمَانَاتِ إِلَى أَهْلِهَا وَإِذَا حَكَمْتُم بَيْنَ النَّاسِ أَن تَحْكُمُواْ بِالْعَدْلِ إِنَّ اللّهَ نِعِمَّا يَعِظُكُم بِهِ إِنَّ اللّهَ كَانَ سَمِيعاً بَصِيراً] (بیگمان خداوند به شما (مؤمنان) دستور می‌دهد که امانتها را (اعم از آنچه خدا شما را در آن امین شمرده ، و چه چیزهائی که مردم آنها را به دست شما سپرده و شما را در آنها امین دانسته‌اند) به صاحبان امانت برسانید ، و هنگامی که در میان مردم به داوری نشستید این که دادگرانه داوری کنید . (این اندرز خدا است و آن را آویزه گوش خود سازید و بدانید که) خداوند شما را به بهترین اندرز پند می‌دهد (و شما را به انجام نیکیها می‌خواند) . بیگمان خداوند دائماً شنوای (سخنان و) بینا (ی کردارتان) بوده و می‌باشد (و می‌داند چه کسی در امانت خیانت روا می‌دارد یا نمی‌دارد ، و چه کسی دادگری می‌کند یا نمی‌کند) . النساء - 58

صفت امانت از بزرگترین دلایل و بارزترین ویژگی های ایمان و مهمترین صفات مومنان شناخته شده است.

[والذین هم لِأماناتهم و عهدهم راعون] (و کسانیند که در امانتداری خویش امین و در عهد خود بر سر پیمانند.) المومنون- 8

انسان در همه آفرینش یگانه آفریده ای است که بنابر پذیرایی فطرت برای حصول این صفتِ با منزلت و با مکانت (امانت اِلهیه) استعداد صلاحیت را در حالی ابراز نمود که آسمانها با آفتاب و مهتاب و کواکب و همه داشتنی ها، و زمین با کوهها و انهار واشجار و همه خزانه هایش از حمل آن ابا ورزید، فلهذا از حکمت و عظمتِ (امانت) است که انسان قهرمان داستان خلقت است.

[إِنَّا عَرَضْنَا الْأَمَانَةَ عَلَى السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَالْجِبَالِ فَأَبَيْنَ أَن يَحْمِلْنَهَا وَأَشْفَقْنَ مِنْهَا وَحَمَلَهَا الْإِنسَانُ إِنَّهُ كَانَ ظَلُوماً جَهُولاً] (ما امانت را بر آسمانها و زمین و کوهها (و همه جهان خلقت) عرضه داشتیم (و انجام وظیفه اختیاری همراه با مسئولیت ، و انجام وظیفه اجباری بدون مسئولیت را بدیشان پیشنهاد کردیم . جملگی آنها اجبار را بر اختیار برتری دادند) و از پذیرش امانت خودداری کردند و از آن ترسیدند ، و حال این که انسان (این اعجوبه جهان) زیر بار آن رفت (و دارای موقعیّت بسیار ممتازی شد . امّا برخی از) آنان (پی به ارزش وجودی خود نمی‌برند و قدر این مقام رفیع را نمی‌دانند و) واقعاً ستمگر و نادانند.) الاحزاب- 72

اهل علم اتفاق دارند که مراد از امانت در آیت فوق الذکر (همه تکالیف و واجبات شرعی) می باشد، پس به علت همین امتیاز، انسانِ امین مستحق تکریم و تفضیل گردید [وَلَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ وَحَمَلْنَاهُمْ فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ وَرَزَقْنَاهُم مِّنَ الطَّيِّبَاتِ وَفَضَّلْنَاهُمْ عَلَى كَثِيرٍ مِّمَّنْ خَلَقْنَا تَفْضِيلاً] (ما آدمیزادگان را (با اعطاء عقل ، اراده ، اختیار ، نیروي پندار و گفتار و نوشتار ، قامت راست ، و غیره) گرامي داشته‌ایم ، و آنان را در خشکي و دریا (بر مرکبهاي گوناگون) حمل کرده‌ایم ، و از چیزهاي پاکیزه و خوشمزه روزیشان نموده‌ایم ، و بر بسیاري از آفریدگان خود کاملاً برتریشان داده‌ایم.) الإسراء- 70

آدمی با حمل این امانت الهیه بر حریت اراده اش تأکید ورزید، از اینجاست که وی متحمل مسئولیت (اختیار عمل) می گردد.

[فَمَن يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ خَيْراً يَرَهُ ، وَمَن يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ شَرّاً يَرَهُ] (پس هرکس به اندازه ذرّه غباري کار نیکو کرده باشد، آن را خواهد دید (و پاداشش را خواهد گرفت) و هرکس به اندازه ذرّه غباري کار بد کرده باشد، آن را خواهد دید (و سزایش را خواهد چشید)). الزلزلة- 7 و 8

دین مقدس اسلام، خیانت در امانت را از صفات منافقین معرفی می کند [عن أبی هريرة رضی الله عنه، أن رسول الله (صلى الله عليه و آله و سلم) قال: آية المنافق ثلاث، إذا حدَّث كذَب و إذا وعد أخلف، و إذا اؤتمِنَ خان] (از ابو هریره رضی الله عنه روایت است که رسول الله(صلى الله عليه و آله و سلم) فرمود: نشانه منافق سه است: چون سخن زند دروغ گوید، و چون وعده کند بد پیمانی کند، و چون امین قرار داده شود خیانت کند) متفق علیه

امانت عبارت از احساس و شعور جازمِ شخصِ متعهد در ادای مسئولیت های فردی و اجتماعی می باشد و معیار تمدن و ترقی امم و ملل جهان همانا در نزاهت و امانت افراد آنها

نهفته است، و فلاح هر جامعه و صلاح هر معامله به چگونگی اصل امانت وابسته است.

امانت در اسلام انواع و اقسام حقوق الله و حقوق العباد را شامل می شود [يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُواْ لاَ تَخُونُواْ اللّهَ وَالرَّسُولَ وَتَخُونُواْ أَمَانَاتِكُمْ وَأَنتُمْ تَعْلَمُونَ] (اي مؤمنان ! به خدا و پیغمبر (با دوست داشت دشمنان حق ، پخش اسرار جنگی ، پشت سرافکندن برنامه‌های الهی ، و غیره) خیانت مکنید ، و در امانات خود نیز آگاهانه خیانت روا مدارید.) الأنفال- 27

بسیاری از جوامع عصر حاضر به علت سهل انگاری و عدم رعایتِ امانت، قربانی خیانت با تمام انواع آن از قبیل فساد اداری و ارتشاء (corruption) و اضاعت و مکر و فریب شده اند، که بالاخره باعث اقتدار طبقه نا اهلِ بی کفایتِ بی صلاحیت و دال بر قرب قیامت میگردد. [عن ابی هريرة رضی الله عنه قال: بينما النبی (صلى الله عليه و آله و سلم) فی مجلسٍ يُحدث القومَ، جاءه أعرابی فقال: متى الساعة؟ فَمَضَى رسول الله (صلى الله عليه و آله و سلم) يُحدث، فقال بعض القوم: سمع ما قال، فكره ما قال، و قال بعضهم: بل لم يسمع، حتى إذا قضى حديثه قال: أين السائل عن الساعة؟ قال: ها أنا يا رسول الله، قال: إذا ضُيِّعَت الأمانة، فانتظر الساعة، قال: كيف اضاعتها؟ قال: إذا وُسِّدَ الأمرُ إلى غير أهله فانتظر الساعة] (از ابو هریره رضی الله عنه منقول است که گفت: در اثنای که پیامبر (صلى الله عليه و آله و سلم) در مجلسی نشسته و با مردم صحبت می کرد اعرابیی نزدش آمده و گفت: قیامت چه وقت است؟ رسول الله (صلى الله عليه و آله و سلم) صحبت خود را ادامه داد، برخی گفتند: گفته اش را شنید ولی آن را زشت شمرد، و برخی دیگر را عقیده بر این شد که نه شنیدش، تا اینکه صحبتش را تمام نمود، فرمود: کجاست کسیکه از قیامت پرسش نمود؟ گفت من حاضرم یا رسول الله، فرمود: چون امانت ضایع شد انتظار قیامت را بکش، گفت ضایع شدن آن چگونه است؟ فرمود: چون کار به نا اهلان سپرده شود منتظر قیامت باش) (بخاری)

و پیامبر گرامی اسلام که حتی قبل از بعثت ملقب به (الصادق الأمين) بود با لشکر اسلام و اصحاب رضی الله عنهم چنین وداع میکرد: [عن عبدالله بن يزيد الخطمی الصحابی رضی الله عنه قال: كان رسول الله (صلى الله عليه و آله و سلم) إذا اراد أن يودِّعَ الجيش قال: استودع الله دينكم، و أمانتكم، و خواتيم اعمالِكم] (از عبدالله بن یزید خطمی صحابی رضی الله عنه روایت شده که گفت: چون رسول الله (صلى الله عليه و آله و سلم)می خواست با لشکر وداع کند می فرمود: استودع الله .... دین و امانت و انجام اعمال شما را نزد خداوند به ودیعت می گذارم.) (ابو داود)

و چون کسی اراده سفر میداشت، برایش می فرمود: [استودع الله دینك، و امانتك، و خواتیم عملِك]

(دین و امانت و خاتمه اعمالت را نزد خداوند به ودیعت می گذارم.) الترمذی.

* * * * *

(س) 2- در یک جامعه آزاد زیست می نمایم که ضرورت اصلاح فردی و اجتماعی و توجه بسوی آخرت بسیار زیاد احساس می شود، لطف نموده اموری را بنگارید که سبب سعادت اُخروی و دخول بهشت می گردد.

(ج) 2- لطفاً به نصائح ذیل توجه و التزام داشته باشید.

1-ایمان با اعمال و کردار نیک: الله متعال می فرماید: [اِن الذین آمنوا و عملوا الصالحات کانت لهم جنات الفردوس نزلا] ((هر آئینه) آنانکه ایمان آوردند و کارهای نیک کردند، هست برای ایشان جنت های فردوس مهمانی) سورة الکهف-107

مسلمان راست تا به ادای واجبات و سائر اعمال صالحه که ساحه آن وسیع است، مانند: نماز، روزه، زکات، صدقات، حج، عمره، هجرت، جهاد، برالوالدین، صله رحم، حقوق همسایه، و غیره، التزام داشته باشد.

2-کلمه توحید: در حدیث شریف چنین وارد است: [عن ابی هریرة رضی الله عنه قال: قال رسول الله (صلی الله علیه و آله و سلم): اسعد الناس بشفاعتی من قال لا اِله الا الله خالصاً من قلبه و نفسه]

(از ابو هریره رضی الله عنه روایت شده که گفت: فرمود رسول الله (صلی الله علیه و آله و سلم): سعادتمند ترین مردم به شفاعت من کسی است که گفت: (لا اله الا الله) خالصانه از قلبش و جانش). رواه البخاری

3-اسماء الله الحسنی : [عن ابی هریرة عن النبی (صلی الله علیه و آله و سلم): اِن لِله تسعة و تسعین، اسماً، مائة الا واحداً، من احصاها دخل الجنة] (از ابو هریره رضی الله عنه روایت شده که رسول الله (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمود: (هر آئینه) مر خدایی را نود و نه(99) نام است، صد مگر یک، هر کس که آنها را (با ایمان و عمل به مقتضای آنها)حفظ و از برکرد ، داخل جنت شد.) متفق علیه.

4-آیة الکرسی: [عن أبی امامة رضی الله عنه قال: قال رسول الله (صلی الله علیه و آله و سلم): من قرأ آیة الکرسی فی دبر کل صلاة مکتوبة لم یمنعه من دخول الجنة الا أن یموت] (از ابی امامه رضی الله عنه روایت است که گفت: فرمود رسول الله (صلی الله علیه و آله و سلم): کسیکه آیة الکرسی را عقب هر نماز فرض بخواند، جز مرگ چیزی دیگری مانع ورود او به بهشت نمی شود.) رواه النسائی

5-سوره تبارک: [عن انس قال: قال رسول الله (صلی الله علیه و آله و سلم): سورة من القرآن ما هی الا ثلاثون آیة، خاصمت عن صاحبها حتی ادخلته الجنة و هی تبارك] (از انس رضی الله عنه روایت است که گفت: فرمود رسول الله (صلی الله علیه و آله و سلم): سوره ای از قرآن که فقط سی آیت است، دفاع و دادخواهی در مورد و به فایده صاحبش کرد تا اینکه وی را داخل جنت نمود، و آن (تبارک) است).
رواه الطبرانی

6- صدقه دادن: الله متعال می فرماید: [و ما تُنفِقوا من خیر فلأنفسكم و ما تنفقون اِلا ابتغاء وجه الله و ما تنفقوا من خیر یوف الیكم و انتم لا تظلمون] (و آنچه از مال خرج نمودید پس نفع آن برای خودتان است، و سزاوار نیست که خرج کنید جز به طلب رضای خدا، و آنچه را از مال خرج کردید برای شما بکمال و تمام رسانده شود، و بر شما ستم نخواهد شد.) سورة البقرة- 272 .

[و عن عبدالله بن عمرو بن العاص رضی الله عنهما قال: قال رسول الله (صلی الله علیه و آله و سلم): آربعون خصلة اعلاها منیحة العنز، ما من عامل یعمل بخصلة منها رجاء ثوابها و تصدیق موعودها الا آدخله الله تعالی بها الجنة.] (از عبدالله بن عمرو بن العاص رضی الله عنهما روایت شده که رسول الله (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمود: چهل صفت است که بالاترین آن، بخشش گوسفند و گاو شیری (برای استفاده از شیرش) می باشد. هیچ کس یک صفتی از آن را برای بدست آوردن ثواب آن و تصدیق موعودش انجام نمیدهد، مگر اینکه خداوند او را بر آن عمل ، به بهشت داخل می کند.) رواه البخاری.

7-کفالت و سرپرستی یتیم: [عن سهل بن سعد قال: قال رسول الله (صلی الله علیه و آله و سلم): انا و کافل الیتیم فی الجنة هكذا و اشار بالسبابة و الوسطی و فرّجَ بینهما] (از سهل بن سعد رضی الله عنه روایت است که رسول الله (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمود: من و سرپرست یتیم، اینگونه در بهشت می باشیم و اشاره به انگشت سبابه و میانه اش نموده آنها را از هم گشاده داشت.)
رواه البخاری

8-ترک حاجت جستن از مردم: [عن ثوبان رضی الله عنه قال: قال رسول الله (صلی الله علیه و آله و سلم): من تكفل لی آن لا یسأل الناس شیئاً و آتكفل له بالجنة؟ فقلت: أنا، فكان لا یسأل احداً شیئاً] (از ثوبان رضی الله عنه روایت شده که رسول الله (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمود: کدام یکی به من تضمین میدهد تا از مردم چیزی را نطلبد و من به وی بهشت را ضمانت کنم؟ گفتم: من، و او از کسی چیزی نمی طلبید.) رواه ابو داود

9-حفظ زبان و عورت از محارم: [عن سهل بن سعد قال: قال رسول الله (صلی الله علیه و آله و سلم): من یضمن لی ما بین لَحییه و ما بین رجلیه أضمن له الجنه] (از سهل بن سعد رضی الله عنه روایت است که رسول الله (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمود: آنكه میان ریش(زبان) و میان دو پایش(فرج) را برایم

ضمانت کند(یعنی ضمانت دهد که زبان و شرمگاهش را از گناه باز میدارد) من بهشت را برای او ضمانت می کنم.) متفق علیه

10-صبر نمودن هنگام وفات احباب و نزدیکان: [عن ابی هریرة رضی الله عنه أن رسول الله (صلی الله علیه و آله و سلم) قال: یقول الله تعالی: ما لعبدی المؤمن عندی جزاءٌ اِذا قبضتُ صفیه من اهل الدنیا ثم احتسبه الا الجنة.] (از ابو هریره رضی الله عنه روایت است که رسول الله (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمود: خداوند می فرماید: هر گاه دوست خالص و برگزیده بنده مؤمنم از اهل دنیا را از او بگیرم و او محض برایم صبر نماید، پاداشی در نزدم جز بهشت ندارد) رواه البخاری

11-فرمانبرداری زن از شوهر: [إذا صلت المرأة خمسها و صامت شهرها و حصنت فرجها و اَطاعت بعلها دخلت من ای ابواب الجنة شاءت] (هرگاه زن نمازهای پنجگانه اش را اداء کند و روزه ماه (رمضانش) را بگیرد و عورتش را با عفت بدارد و شوهرش را اطاعت نماید از هر دروازه جنت که بخواهد داخل می شود.) أخرجه ابن حبان

12-دوری گزیدن از تمام انواع شرک: [عن جابر، رضی الله عنه قال: جاء اعرابی إلی النبی (صلی الله علیه و آله و سلم)، فقال: یا رسول الله، ما الموجبتان ؟ فقال: من مات لا یشركُ بالله شیئاً دخل الجنة، و من مات یشرك به شیئاً، دخل النار.] (جابر رضی الله عنه روایت می کند که بادیه نشینی نزد رسول الله (صلی الله علیه و آله و سلم) آمده گفت: یا رسول الله ! دو چیزیکه لازم گردانده اند چیست؟ فرمود: آنکه بمیرد و به خدا چیزی را شریک نیاورده باشد به بهشت داخل می شود، و آنکه بمیرد در حالیکه به خدا چیزی را شریک آورده باشد به دوزخ داخل می گردد.) رواه مسلم

13-وفات زن هنگام وضع حمل: [عن راشد بن حبیش، أن رسول الله (صلی الله علیه و آله و سلم) قال: القتل فی سبیل الله عز وجل شهادة، والطاعون شهادة، والغرق شهادة، والبطن شهادة، والنفساء شهادة، والنفساء یجرها ولدها بسررها إلی الجنة] (راشد بن حبیش روایت می کند که رسول الله (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمود: کشته شدن در راه خدا شهادت است و بیماری طاعون شهادت است و غرق شدن شهادت است و بیماری شکم شهادت است، و زنیکه در وقت حمل بمیرد شهید به شمار می رود و فرزندش با بند نافش وی را به سوی بهشت می برد.) أخرجه احمد

14-پاک بودن از کبر و خیانت و قرض: [عن ثوبان رضی الله عنه قال: قال رسول الله (صلی الله علیه و آله و سلم): من مات و هو بریء من الکبر والغلول والدَین دخل الجنة] (از ثوبان رضی الله عنه روایت شده که گفت: رسول الله (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمود: هر گاه کسی بمیرد در حالیکه از کبر و خیانت و قرض پاک و بری باشد داخل جنت می شود) رواه الترمذی

15-پادشاه عادل، شخص نرم دل، و مرد پاک دامن عیال دار که حرام نمی خورد و از مردم گدایی نمی کند: [عن عیاض بن حمار رضی الله عنه قال: سمعت رسول الله (صلی الله علیه و آله و سلم) یقول: اهل الجنة ثلاثة: ذو سلطانٍ مقسِطٌ موفقٌ، و رجل رحیمٌ رقیق القلب لکل ذی قربی و مسلمٍ، و عفیفٌ متعفِّفٌ ذو عیالٍ.] (از عیاض بن حمار رضی الله عنه روایت شده که گفت: از رسول الله (صلی الله علیه و آله و سلم) شنیدم که فرمود: اهل بهشت سه طبقه اند: زمامداری عادل و موفق و مرد مهربان و نرم دل برای هر کسیکه با وی قرابت دارد و با هر مسلمان، و انسان نیازمند عائله مندی که از سوالگری پرهیز نماید). رواه مسلم

16-رحم نمودن بر حیوانات: [عن ابی هریرة رضی الله عنه عن النبی (صلی الله علیه و آله و سلم)أن رجلاً رأی کلباً یأکل الثری من العطش فأخذ الرجل خفه فجعل یغرف له حتی أرواه فشکر الله له فأدخله الجنة] (ابو هریره رضی الله عنه از رسول الله (صلی الله علیه و آله و سلم) روایت می کند که مردی سگی را دید که از شدت تشنگی خاک می خورد، پس مرد موزه اش را گرفت و آن را پر از آب کرد و در مقابلش قرار داد تا اینکه سیراب شد، پس خداوند از او راضی شد و او را داخل بهشت نمود). رواه البخاری

17-اذیت را از راه مردم دفع کردن: [عن ابی هریرة رضی الله عنه قال: سمعت رسول الله (صلی الله علیه و آله و سلم) یقول: لقد رأیت رجلاً یتقلب فی الجنة فی شجرة قطعها من ظهر الطریق کانت تؤذی الناس] (از ابو هریره رضی الله عنه روایت است که پیامبر(صلی الله علیه و آله و سلم)فرمود: مردی را دیدم که در بهشت این طرف و آن طرف می گشت، زیرا درختی را که از بالای راه سبب اذیت مسلمین می شد، قطع نموده بود.) رواه مسلم

18-گذشت نمودن از کسی که پولی ندارد تا قرضش را ادا کند: [عن حذیفة عن النبی (صلی الله علیه و آله و سلم)، أن رجلاً مات فدخل الجنة فقیل له: ما کنت تعمل؟ قال: اِنی کنت أبایع الناس، فکنت اُنظر المعسر و اتجوز فی السکة او فی النقد، فغفر له] (از حذیفه رضی الله عنه روایت است که رسول الله (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمود: مردی فوت نمود پس داخل بهشت شد، به او گفته شد چه کاری انجام دادی که وارد بهشت شدی؟ گفت: من با مردم معامله می کردم، پس تنگدست را مهلت می دادم و در پرداخت پول و درهم او مسامحه می کردم پس(هنگامیکه می دیدم توانایی پرداخت را ندارد) از آن گذشت می کردم، پس بخشیده شد.) رواه مسلم

19-کسیکه سه بار بهشت را از خداوند بخواهد و از آتش به او پناه برد: [عن انس رضی الله عنه قال: قال رسول الله (صلی الله علیه و آله و سلم): من سأل الله الجنة ثلاث مرات، قالت الجنة: اللهم أدخله

الجنة، و من استجار من النار ثلاث مرات قالت النار: اللهم أجره من النار] (از انس رضی الله عنه روایت شده که گفت: رسول الله (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمود: هر کس از خداوند بهشت را سه بار بخواهد، بهشت می گوید: الها وی را داخل بهشت بگردان، و هر کس سه بار از آتش دوزخ امان بخواهد آتش دوزخ می گوید: الها وی را از آتش پناه بده) رواه الترمذی

20-وضو گرفتن و بعد از آن نماز خواندن: [عن أبی هریرة رضی الله عنه أن رسول الله (صلی الله علیه و آله و سلم) قال لبلال: یا بلال حدثنی بأرجی عملٍ عملته فی الاسلام، فإنی سمعت دف نعلیك بین یَدَیَّ فی الجنة، قال: ما عملت عملاً أرجی عندی من أنی لم اتطهر طهوراً فی ساعة من لیل او نهار إلا صلیت بذلك الطهور ما کتب لی أن أصلی.] (از ابو هریره رضی الله عنه روایت است که رسول الله (صلی الله علیه و آله و سلم) برای بلال رضی الله عنه فرمود: ای بلال! به من از امیدوار کننده ترین عملی که در اسلام انجام داده ای صحبت کن، زیرا من صدای کفشهایت را پیشاپیش خویش در بهشت شنیدم. گفت: انجام نداده ام عملی را که امیدوار کننده تر باشد برایم از آنکه هیچ لحظه ای از روز یا شب طهارتی نکردم و وضویی نگرفتم مگر اینکه با آن طهور به اندازه ای که برایم مقدور شده بود نمازگزاردم.) متفق علیه

سعادت دنیوی و اُخروی در ارشادات و هدایات ایمانی نهفته است، و مرز انسانیت تا آنجا ادامه خواهد داشت که ایمان و اعمال و کردار نیک موجود باشد، و ایمان توأم با عمل، آدمیت را به کمالات روحی عروج می دهد، و جاذبه صعود تا آن زمان هست که شعور ارتقاء و تلاش متعالی شدن هم باشد، پس مبارزه وجد و جهد پیگیر و نیایش با توفیق الهی انسان را بسوی اهداف برین پرواز می دهد، و قابل توجه است که برای وصول به معراج آمال و آرزوهای امت، تحرک فردی و اجتماعی الزامی است، ولی در فکر این مباش که دیگران ترا حرکت دهند، بلکه خودت دیگران را به حرکت بیاور، و در جهت آزاد سازی فکری و جسمی بشریت سعی نما و بدان که حریت و آزاد سازی از زیر یوغ ابر جناوران تاریخ زمانی میسر است که عبودیت و بندگی در برابر خدای واحد تحقق پذیرد، و آگاه باش که استبداد برای استعمار و استحمار زمینه سازی می کند تا کار اغفال دوام یابد، یک نوع اغفال طوری است که مستقیماً به فساد دعوت نمی کند بلکه به هدف ظاهراً معقول فرا می خواند تا از اهداف متعالی تر باز دارد و عالی ترین هدف آدمیت فردوس برین است و ای بنی آدم! اگر به بهشت نرسی پس مسیر و جایگاهت معلوم است.

*   *   *   *   *

(س) 3- متاسفانه غم ها و نگرانی های زندگی خیلی زیاد شده است و هر روز که می گذرد تشویش هایم بیش از پیش می شود، و از این وضعی که دارم خسته شده ام و مانند شخص بیمار هستم، نمیدانم چطور خود را علاج کنم، لطفاً مرا همکاری نمائید؟

(ج) 3- این یک حقیقت غیر قابل انکارست که این دار فانی (دنیا) توأم با غم و اندوه و مشاکل می باشد، لذا یکی از ویژگی های بهشت جاوید این است که غم و حزن و متاعب و مصائب را در آنجا راهی نیست، الله متعال می فرماید:[لا یمسهم فیها نصب و ما هم منها بمخرجین] (نرسد ایشان را در آنجا رنجی و نیستند ایشان از آنجا بیرون شده) سورة الحجر- 48

مهمترین راه و روش رهایی از غم و اندوه همانا ایمان و اعمال نیکو می باشد، و از مقتضیات کمال ایمان، رضایت از قضاء و قدر بوده هنگام مسرت و منفعت، شکر و در وقت خسارت و مضرت، صبر و شکیبایی نمودن است.

[عن أبی یحیی صهیب بن سنان رضی الله عنه قال: قال رسول الله (صلی الله علیه وآله و سلم) : عجباً لأمر المؤمن إن امره کله له خیر، و لیس ذلك لأحد الا للمؤمن، إن اصابته سراءُ شکر فکان خیراً له، و إن اصابته ضراءُ صبر فکان خیراً له] (از ابو یحیی صهیب بن سنان رضی الله عنه روایت است که آن حضرت (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمود: کار مسلمان انسان را به شگفتی و تعجب وامیدارد، زیرا همه کارش برای او خیر است، و این امر برای هیچ کس جز مسلمان ممکن نیست، اگر به وی فراخی و آسانی روی دهد شکر کند و این برایش خیر است و اگر به او سختی برسد صبر کند این هم برایش خیر است) رواه مسلم.

ولی خاصیت ایمان ناقص، منفی گرایی و شکایت از مصیبت و کفران نعمت می باشد که بالاخره نعمت برای ضعیف الایمان نقمت می گردد،

شکر نعمت نعمتت افزون کند　　　　کفر نعمت از کفت بیرون کند

بنابراین نگرانی ها ازدیاد یافته افکار و اندیشه های انحرافی بر وی مستولی میگردد. اما مسلمان به قضاء و قدر باور داشته، عجز و یأس را نمی شناسد، بلکه با کمال امید به اعمال امیدوار کننده مبادرت می ورزد، که این حرکت و عمل بسیاری از غم ها و نگرانی های وی را زائل نموده، قناعت و غنای قلبی و آرامش و طمانیت و امید فلاح و پیروزی مستقبل را در ضمیر وی زرع می کند.

الله متعال می فرماید:[من عمل صالحاً من ذکر أو أنثی و هو مومن فلنحیینه حیاة طیبة و لنجزینهم

اجرهم باحسن ما كانوا يعملون] (هر که عمل نیک کرد مرد باشد یا زن و او مسلمان است، پس (هر آئینه) زندگیش میدهیم زندگانی پاک و بدهیم آن جماعه را مزد ایشان به نیکوترین آنچه میکردند) .

سورة النحل-97

بسیاری از مشاکل و امراض عاید حال مومن می شود تا سبب تطهیر گناهان وی شود [عن أبی سعید و أبی هریرة رضی الله عنهما عن النبی (صلی الله علیه وآله و سلم) قال: ما یصیب المسلم من نصب و لا وصب و لا هم و لا حزن و لا اذی و لا غم، حتی الشوكة یشاكها الا كفر الله بها من خطایاه] (از ابو سعید و ابو هریره رضی الله عنهما روایت شده که آنحضرت (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمود: هیچ خستگی و مرض و غم و اندوه و آزار و شکنجه ای به مسلمان نمی رسد حتی خاری که بپایش می خلد، مگر اینکه خداوند جل جلاله در برابر آن، برخی از گناهانش را می آمرزد.) متفق علیه

در حدیث مذکور (من خطایاه) به معنای (برخی ازگناهان وی) است، زیرا بعضی از گناهان مانند: حقوق مردم از آن مستثنی می باشد. پس زمانیکه غم و حزن و سایر مشاکل باعث مغفرت و کفاره گناهان است، ساحه شکیبایی مومن وسیع می گردد.

یکی دیگر از اسباب ابتعاد از غم و اندوه این است که زندگی دنیوی از نظر مسلمان متاع اندکی بیش نیست و آنهم دوام ندارد.

در حقیقت مالک هر شیء خداست   این امانت چند روزی نزد ماست

[عن أبی هریرة رضی الله عنه قال: قال رسول الله (صلی الله علیه و آله و سلم): الدنیا سجن المومن و جنة الكافر] (از ابوهریره رضی الله عنه روایت است که رسول الله (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمود: همانا دنیا زندان مومن و بهشت کافر است.) رواه مسلم

[و عن ابن عمر، رضی الله عنهما، قال: أخذ رسول الله (صلی الله علیه و آله و سلم)، بمنكبی فقال: كن فی الدنیا كأنك غریب او عابر سبیل و كان ابن عمر رضی الله عنهما، یقول: إذا أمسیت فلا تنتظر الصباح و اذا اصبحت فلا تنتظر المساء و خذ من صحتك لمرضك و من حیاتك لموتك] (ابن عمر رضی الله عنهما روایت می کند که رسول الله (صلی الله علیه و آله و سلم) شانه مرا گرفته و فرمود: در دنیا چنان زندگی کن که گویی غریب و رهگذری ابن عمر رضی الله عنهما می گفت: چون شب نمودی انتظار صبح را مکش و چون صبح نمودی به انتظار شب مباش و از حالت صحت خود برای بیماریت و از زندگیت برای مرگ خویش بهره گیر.) رواه البخاری

(دنیا جای عبور است نه شهرستان سرور رباطیست بی اقامت و بساطیست بی استقامت)

شاعری گوید:

[النفس تبکی علی الدنیا و قد علمت أن السعادة فیها ترک ما فیها]

(نفس بر دنیا گریه می کند در حالیکه دانست که خوشبختی در آن ترک آن است)

مسلمان هوشیار بوده و عیش و نشاط عارضی دنیا وی را فریب نداده از آخرت غافل نمی سازد.[قل متاع الدنیا قلیل و الآخرة خیر لمن اتقی] (بگو بهره مندی دنیا اندک است و آخرت بهتر است کسی را که پرهیزگاری کند.) سورة النساء-77

راه دعوت و مبارزه اسلامی پر از مشقت هاست، از آدم تا آخرین انبیاء علیهم الصلاة والسلام و سایر صالحین تاریخ انواع گوناگون مشکلات را متحمل شدند، پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمود: [اشد الناس بلاء الأنبیاء ثم الصالحون ثم الأمثل فالأمثل] (شدیدترین مردم در غم و اندوه و آزمایش پیامبران اند، پس از آنها صالحین و پس از آنها شریفتر و بهتر). رواه ابن ماجه

پژوهش و تحقیقات ثابت نموده است که افراد فاقد الایمان در برابر مشاکل خیلی ضعیف شده و در کمترین مدت خود را از دست داده و دستخوش تشویش ها و نگرانی ها گردیده و متلاشی می شوند. الله جل جلاله می فرماید:[لا یسئم الإنسان من دعاء الخیر و إن مسّه الشرّ فیئوس قنوط ، و لئن أذقنه رحمة منا من بعد ضراء مسته لیقولن هذا لی و ما أظن الساعة قائمة و لئن رجعت إلی ربی إن لی عنده للحسنی فلننبئن الذین کفروا بما عملوا و لنذیقنهم من عذاب غلیظ ، و إذا أنعمنا علی الإنسان أعرض و نئابجانبه و إذا مسه الشر فذو دعاءٍ عریض ، قل أرءیتم إن کان من عند الله ثم کفرتم به من أضل ممن هو فی شقاق بعید] (انسان (بی‌ایمان) از طلبیدن دارائی و نعمت سیر نمی‌گردد و خسته نمی شود ، ولی زمانی که بلا و سختی و فقر و فاقه بدو رو کرد ، فوراً دلسرد و ناامید می‌گردد (و از خود و زندگی بیزار و گریزان می‌شود) .اگر ما به چنین انسانی ، به دنبال ناراحتی و زیانی که بدو رسیده است ، از سوی خود مرحمتی (همچون ثروت و صحّت) روا داریم ، گستاخانه خواهد گفت : این (ثروت و صحّت) حق من است (و آن را در سایه تلاش و کوشش و علم و دانش خود به دست آورده‌ام) و اصلاً گمان نمی‌برم که قیامتی در کار باشد. اگر (به فرض ، قیامتی هم در کار باشد و) من به سوی پروردگارم برگردم ، حتماً در پیشگاه او دارای مقام و منزلت خوبی هستم (چرا که ذاتاً محترمم ، و همان گونه که در دنیا خدا گرامیم داشته است و به من قدرت و نعمت داده است ، در

آخرت نیز گرامیم می‌دارد و به من عزّت و حرمت می‌بخشد) ما کافران را مسلّماً از کارهائی که کرده‌اند آگاه خواهیم کرد و حتماً عذاب سخت و زیادی را بدیشان می‌چشانیم . هنگامی که ما به انسان نعمت دهیم رویگردان (از دینداری و شکرگزاری) می‌گردد و تکبّر و غرور می‌ورزد ، و هنگامی که به بلا و گرفتاری و ناراحتی و بیماری دچار گردید ، دعاهای عریض و طویلی سر می‌دهد (و به شکوه و گلایه می‌پردازد که چرا خدا نعمت خود را از او بازگرفته است و بدو ظلم کرده است) . (ای محمّد !) بگو : به من خبر دهید اگر این (قرآن) از سوی خداوند آمده باشد ، و آن گاه شما به آن ایمان نداشته باشید ، چه کسی گمراه‌تر خواهد بود از آن کسی که (با حق و حقیقت) سخت در مبارزه و مقابله باشد؟

سورة فصلت- 49 – 50 – 51 - 52

زمانیکه پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله و سلم) و ابوبکر رضی الله عنه از مکه به مدینه هجرت فرمودند، در مسیر راه در غار ثور مسکن گزیدند. این غار چند میل دور از مکه و صخره ئی بود میان تهی در کمر کوه بلندی که راه تنگ داشت، کافران به جستجوی پیغمبر پرداختند و بالاخره به آن غار رسیدند ابوبکر صدیق رضی الله عنه از داخل، بیرون را می نگریست و پاهای دشمنان اسلام را میدید، اندیشناک بود که مبادا ذات پیغمبر را که از جان محبوب تر میدانست و هر چیز را فدای او کرده بود، در یابند و گفت: [یا رسول الله: اگر این مردم اندکی خم شوند و به پای خود نگرند، ما را خواهند دید، آنحضرت (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمودند: ای ابوبکر درباره آن دو تن که سوم شان الله است چه می اندیشی، چون خدا با ما باشد از که بهراسیم.) خداوند جل جلاله سکون و اطمینان خاصی به دل پیغمبر بخشوده بود و پیغمبر بدان قلب سلیم ابوبکر را آرام ساخت. [إلا تنصروه فقد نصره الله إذ أخرجه الذين كفروا ثانى اثنين إذ هما فى الغار إذ يقول لصاحبه لا تحزن إن الله معنا فأنزل الله سكينته عليه و أيده بجنود لم تروها و جعل كلمة الذين كفروا السفلى و كلمة الله هى العليا والله عزيز حكيم] (اگر پیغمبر را یاری نکنید (خدا او را یاری می‌کند ، همان گونه که قبلاً) خدا او را یاری کرد ، بدان گاه که کافران او را (از مکّه) بیرون کردند، در حالی که (دو نفر بیشتر نبودند و) او دومین نفر بود (و تنها یك نفر به همراه داشت که رفیق دلسوزش ابوبکر بود). هنگامی که آن دو در غار (ثور جای گزیدند و در آن سه روز ماندگار) شدند (ابوبکر نگران شد که از سوی قریشیان به جان پیغمبر گزندی رسد ،) در این هنگام پیغمبر خطاب به رفیقش گفت : غم مخور که خدا با ما است (و ما را حفظ می‌نماید و کمك می‌کند و از دست قریشیان می‌رهاند و به عزّت و شوکت می‌رساند . در این وقت بود که) خداوند آرامش خود را بهره او ساخت (و ابوبکر از این پرتو الطاف ، آرام گرفت) و پیغمبر را با سپاهیانی (از فرشتگان در همان زمان و همچنین بعدها در جنگ بدر و حُنَین) یاری داد که شما آنان را نمی‌دیدید،

و سرانجام سخن کافران را فروکشید (و شوکت و آئین آنان را از هم گسیخت) و سخن الهی پیوسته بالا بوده است (و نور توحید بر ظلمت کفر چیره شده است و مکتب آسمانی ، مکتبهای زمینی را از میان برده است) و خدا باعزّت است (و هرکاری را می‌تواند بکند و) حکیم است (و کارها را بجا و از روی حکمت انجام می‌دهد). سورة توبه- 40

الله متعال خطاب به پیامبر گرامی علیه الصلاة والسلام می فرماید:[و لا تحزن علیهم و لا تکن فی ضیق مما یمکرون] (و غم مخور بر ایشان و مباش در تنگدلی از آنچه ایشان فریب می کنند.) النمل- 70

یعنی بعد از اینکه آنها را تلقین نمودی و بر سرانجام بدی تنبیه نمودی آسوده باش، اگر این مردم قبول نمی کنند غم و تأسف زیاد مخور و اگر آنها مکر و فریب بعمل آرند و بر خلاف حق تدابیری اندیشند، تنگدل و غمگین مشو، تو فرض خود را اداء کردی، سرانجام الله تعالی با این مجرمین معاند کار دارد، اینها را هم مانند مجرمین سابق جزا میدهد.

در غزوه اُحد آنگاه که مجاهدان اسلام از جراحات خسته شده بودند، آنگاه که نعش جنگجویان نامورشان روی بروی آنها مُثله شده افتاده بود و شقاوت پیشه گان بدبخت شخص پیامبر (صلی الله علیه وآله و سلم) را نیز مجروح گردانیده بود و ظاهراً هر گونه اسباب هزیمت بنظر می آمد، در هجوم این شداید و یأس ندای خدای متعال شنیده شد که [و لا تهنوا و لا تحزنوا و أنتم الأعلون إن کنتم مؤمنین] (و سست مشوید و اندوهناک مباشید و شما غالبید اگر هستید ایمان داران.) سورة آل عمران- 139

هستند کسانیکه دنیا را ناپسند میدارند، ولی نه بخاطر آخرت بلکه بخاطر اینکه غم و اندوه دنیا زیاد است، در حالیکه این گروه حقیقت دنیا را پی نبرده اند، زیرا دنیا دار عمل و ابتلاء و مشقت های گوناگون مانند: مرض، غم و خوف و غیره می باشد. الله متعال می فرماید:[لقد خلقنا الانسان فی کبد] (هر آئینه آفریدیم انسان را در مشقت) سورة البد- 4

برای زدودن غم ها و نگرانی امور ذیل خیلی مفید اند: توکل، نماز، ذکر، راضی بودن از قضاء و قدر، به خداوند متعال حسن ظن داشتن، یاد نمودن نعمات خداوند جل جلاله، علم نافع و عمل صالح، ترک نمودن غم های گذشته، عدم خوف از روزگار آینده، فانی تلقی کردن دنیا، اهمیت دادن به وقت و عمر، توجه نمودن به نقاط و جنبه های مثبت زندگی، و امید داشتن به خداوند تبارک و تعالی.

در خاتمه باید خاطر نشان ساخت که اهمیت دعا نباید فراموش شود، زیرا دعا بسا اوقات وقایه، و بسا اوقات علاج و درمان هموم است. دعای ذیل برای دفع غم و اندوه قبل از وقوع آن خیلی مفید است: [اللهم إنی اعوذ بك من الهم والحزن والعجز والکسل والبخل والجبن و ضَلَع الدَّین و غلبة الرجال] (بار الها! من از غم و اندوه و ناتوانی و سستی و بخل و ترس و سنگینی وام و غلبه مردان به تو پناه

می آورم.) رواه البخاری

ولی اگر رنج و اندوه عائد حال انسان شود، در آنصورت هم باب دعاء مفتوح است پس دعاهای دفع حزن خوانده شود. خداوند تبارک و تعالی می فرماید:[و إذا سألك عبادی عنی فإنی قریب اجیب دعوة الداع اذا دعان فلیستجیبوا لی ولیومنوا بی لعلهم یرشدون] (هنگامیکه بپرسند ترا بندگان من درباره من، پس هر آئینه من نزدیکم، اجابت می کنم دعای طلب کننده را وقتیکه سوالی کند، پس باید قبول کنند حکم مرا و باید ایمان آرند به من تا ایشان براه نیک آیند.) سورة البقره-186

و از ادعیه مفید برای دفع حزن دعای ذیل می باشد که پیامبر اسلام علیه الصلاة والسلام ترغیب نموده اند که هر کس آنرا بشنود یاد گیرد و حفظ نماید:[اللهم إنی عبدُك، ابن عبدِك، ابن أمَتِك، ناصیَتی بیدك، ماضٍ فیَّ حكمك، عَدْلٌ فیّ قضاءُك، اسألك بكل اسم هو لك، سمیتَ به نَفْسَك أو أنزلتَه فی كتابك أو عَلَّمتَه أحداً من خلقك، أو استأثرتَ به فی علم الغیب عندك، أن تجعلَ القرآن ربیعَ قلبی و نورَ صدری، و جلاءَ حزنی، و ذهاب همی] (الهی من بنده تو و فرزند بنده تو و فرزند کنیز تو هستم، و پیشانی من (زمامم) در دست تو است، فرمان تو در حق من نافذ است، فیصله ات در حق من عین عدالت است، الهی من به وسیله هر اسمی که خود را به آن مسمی کرده ای، یا در کتابت نازل کرده ای، یا به یکی از مخلوقاتت تعلیم داده ای، یا ترجیح داده ای که نزد تو در علم غیب بماند، از تو مسألت می نمایم که قرآن را بهار دل و نور سینه و برطرف کننده غم و اندوه من بگردان.) رواه احمد

توجه و ترکیز به اهداف و مقاصد عالی برای انسان قوت تحمل بخشیده، رنج و اندوه مادی را کم حتی زائل و ناپدید می کند، و عالی ترین عامل سعادت و کامیابی زندگی هدفمند است و برای خود سازی فردی و اجتماعی حرکت در کار است و اگر تحرک با هدف نباشد (بودن) به (شدن) چگونه تحول یابد، در حالیکه غم های شکست ها، (بودن) را تلخ و زهرآگین نموده است پس برای هجرت از (بودن) بسوی (شدن) به حرکت فردی و اجتماعی نیاز است، و اکتفاء به اصلاح فردی منافی رسالت روشنفکر است، زیرا خود سازی با جامعه سازی پیوند ناگسستنی دارد، و اقتضای فطرت سلیم و جوهر آدمی خیررسانی و شرکت در غم بشریت است و یکی از خواص غم شریکی و ایثار، امحای هموم شخصی می باشد.

بنی آدم اعضای یکدیگرند	که در آفرینش زیک جوهرند
چو عضوی بدرد آورد روزگار	دیگر عضوها را نماند قرار
تو کز محنت دیگران بی غمی	نشاید که نامت نهند آدمی

(سعدی)

غم های شخصی و دنیوی باعث رکود نشاط می شود، و کسیکه اسیر غم دنیا شود همواره قربانی اختناق و اضطراب می گردد، بلکه غم دنیا قاتلی است که شخص مصاب را قبل از فرا رسیدن اجل موت از پا در آورده و به قتل می رساند و پناه بردن به مخدرات علاج هموم نیست زیرا پس از مرحله تخدیر، غم ها و بیماری ها مضاعف میگردد، پس ای برادر با دروس ایمانی روح و روان را وقایه و علاج و درمان نما. و آگاه باش که جهان بینی سالم عامل خوبی بلکه گزیده ترین عامل برای زدودن غم ها و نگرانیهاست.

و صلی الله و سلم علی نبینا محمد و علی آله و اصحابه اجمعین.

پاسخ از:

دکتر نهضتیار خطیبی

انجمن فرهنگی جهانی اسلامی 2005